

«سرآمد» بررسی می‌کند؛

«بندرها و آیین‌های فراموش شده»

میراث ناملموس خلیج فارس

«سرآمد» تحلیل می‌کند؛

نگاه واقع‌گرایانه بر سدید السلطنت

پندر عباسی به خلیج فارس



از شاهراه پارینه‌سنگی تا هاب انرژی «سرآمد» بررسی می‌کند؛

«خلیج فارس و عصر حجر»

بازخوانی نقش خلیج فارس در دیرزمانی حیات بشر

در ادبیات سیاسی معاصر، گاه از «بازگرداندن به عصر حجر» به‌عنوان استعاره‌ای برای فروپاشی و عقب‌ماندگی استفاده می‌شود؛ تعبیری که در مواردی علیه ایران نیز به‌کار رفته‌است. با این حال، از منظر باستان‌شناسی، این اصطلاح معنایی کاملاً متفاوت دارد. آنچه «عصر حجر» نامیده می‌شود، در واقع طولانی‌ترین و تعیین‌کننده‌ترین مرحله‌ی تاریخ بشر است؛ دوره‌ای که در آن، بنیان‌های بقا، سازگاری و گسترش انسان در جهان شکل گرفت. از این منظر، «عصر حجر» توانایی انسان در رویارویی با چالش‌های محیطی و گسترش در پهنه‌های ناشناخته است. بازخوانی این مفهوم در جغرافیای ایران، به‌ویژه در سواحل و پس‌کرانه‌های خلیج فارس تصویری متفاوت ارائه می‌دهد. این منطقه از کانون‌های کلیدی در فرایندهای دیرزمانی جابه‌جایی و استقرار انسان بوده‌است. زمانی که از پارینه‌سنگی در ایران سخن می‌گوییم، به پیشینه‌ای اشاره داریم که قدمت آن به صدها هزار سال می‌رسد. این در حالی‌ست که بخش‌هایی از جهان، مانند قاره‌ی آمریکا، تنها در بازه‌های بسیار متأخرتر - در حدود ۳۰ تا ۴۰ هزار سال پیش - پذیرای نخستین گروه‌های انسان مدرن شدند. در مقابل، فلات ایران و به‌ویژه حاشیه‌ی شمالی خلیج فارس و تنگه‌ی هرمز، برای دوره‌های طولانی به‌عنوان یکی از مسیرهای اصلی جابه‌جایی و گسترش جمعیت‌های انسانی در اوراسیا عمل کرده‌اند.

با نوشتاری از:

* سپهر زارعی، پژوهشگر باستان‌شناسی پارینه‌سنگی

* شهرام جلیلیان، استاد تاریخ

* علی مهدی‌نیا رئیس پژوهشگاه ملی اقیانوس‌شناسی

* مرتضی فاخری، محقق و پژوهشگر راهبردی

* محمد رحیمی، پژوهشگر

* امید ایرانی، پژوهشگر اقتصاد دریا

* خدانظر خواجه، روزنامه‌نگار

* فاطمه عودباشی، روزنامه‌نگار



یادداشت

«خلیج فارس» آبراه صلح و همزیستی ملت‌ها



سیدعباس صالحی - خلیج فارس و تنگه هرمز، در همیشه تاریخ، آبراه صلح و همزیستی ملت‌ها بوده است «خلیج فارس، تنها نامی بر نقشه و پهنه‌ای در جغرافیای جنوب ایران نیست؛ نامی

است هم‌سنگ تاریخ، نشانی از تداوم هویت و روایتی زنده از شکوه تمدنی ملتی که قرن‌ها بر ساحل فرهنگ، دانایی و پایداری ایستاده است. این نام سترگ، در حافظه تاریخی ایرانیان، همواره با عزت، همبستگی و صلح‌خواهی همراه بوده و هر زمان که دست طمع‌ی به سوی آن دراز شده، آینه استواری و غیرت ملی این سرزمین شده است؛ آینه‌ای به بلندای تاریخ که در این روزها، برای ایرانیان نمادی از مقاومت و عزت بوده و فرزندان عزیز از ملت ایران را در آغوش گرفته است.

دهم اردیبهشت، روز ملی خلیج فارس در حالی فرامی‌رسد که سرزمین ما، در میانه روزهایی سرشار از آزمون‌های دشوار و سرافرازی‌های ماندگار قرار دارد که تانسل‌ها بعد، قصه‌ها خواهد داشت.

رخدادهای ماه‌های اخیر، بار دیگر آشکار کرد که میهن‌پرستی، تاب‌آوری اجتماعی در راه وطن، فرهنگ مقاومت و استقلال‌خواهی در این سرزمین، امری عارض و شعاری نیست، بلکه ریشه در جان تاریخ دارد و سینه به سینه، از نسلی به نسل بعد منتقل می‌شود.

ایرانیان، همواره صلح را خواسته‌اند اما جنگ را نیز خوب بلدند و امروز دیگر این گزاره، قصه‌ای در کتاب‌ها نیست، بلکه مردان دریادل سرزمین ما با خون خود، آن را به دنیا ثابت کرده‌اند.

از ایسن رو، این دوره و ادوار آتی جشنواره بین‌المللی فرهنگی هنری خلیج فارس، فرصتی مغتنم برای تجلی پیوند هنر و ایستادگی ملی است و وظیفه‌ای سترگ بر عهده دارد.

اگر در میدان دفاع، فرزندان رشید این مرز و بوم با جان‌فشانی از امنیت و وطن‌پسنداری کردند تا خلیج فارس، خلیج فارس باقی بماند، امروز اصحاب فرهنگ، هنر و رسانه رسالتی دیگر بردوش دارند؛ آن‌که حقیقت رشادت‌ها را در زبان هنر روایت کنند و یاد از اینار را در حافظه نسل‌ها ماندگار سازند. باید به خاطر داشت که خلیج فارس و تنگه هرمز، در همیشه تاریخ، آبراه صلح و همزیستی ملت‌ها بوده است؛ اما تاریخ گواهی می‌دهد که هرگاه بدخواهان در سودای تعرض به این حریم برآمده‌اند، با اراده خلل‌ناپذیر ایرانیان روبه‌رو شده‌اند و از تنگسیری‌های قهرمان تا دریادلان سرزمین ما که در خون خود غلطیدند، گواه این موضوع هستند.

بدون شک ما در روزهایی قرار داریم که آیندگان به نیکی از مردم شکست‌ناپذیر ایران یاد می‌کنند؛ اما کیست که نداند، بزرگترین پیروزی‌ها، بدون روایت مناسب فرهنگی و هنری، در حصار زمان فراموش خواهند شد. بر همین مبنا معتقدم که جشنواره پراهمیت فرهنگی و هنری خلیج فارس، مسئولیتی صدچندان نسبت به دوره‌های گذشته بر دوش دارد.

چه‌جان‌سوز است که صیانت از این نام بزرگ، این خلیج همیشه فارس، با یاد مظلومیت کودکان و نوجوانان معصومی درآمیزد که در چنایتی نابخشودنی در مدرسه شجره طیبه میناب به خاک و خون کشیده شدند. آنان که فرزندان ایران بودند و نام‌شان سندی بر جنایت رژیم‌های ستمگر علیه مردم این سرزمین است.

چه اندوهناک است که صیانت از این نام بزرگ، با نام یکایک مظلومان شهید در ناو دنا گره می‌خورد؛ فرزندان این ملت که غافلگیرانه و بر خلاف دستورالعمل‌های بین‌المللی به شهادت رسیدند. چه دشوار است برای همه آزادگان سرزمین ایران، که بهترین مردان، زنان، رهبران، سیاستمداران و فرماندهان ایران، جان خود را در کمان قرار دادند تا مرزهای استقلال این مردم مبعوث زمان، ذره‌ای تغییر نکنند.

باید این غم مقدس را پاس بداریم و بدانیم که پاسداری از خلیج فارس، امروز تنها نگاهبانی از بناها، قلعه‌ها و آثار تاریخی نیست؛ بلکه پاسداری از غرور ملی، حافظه تاریخی و اعتماد به نفس تمدنی یک ملت و در یک کلام، پاسداری از تک تک خون‌های به ناحق ریخته شده روی زمین و دریای این کشور در طول تاریخ است.

هر خشت از دژهای کهن جنوب، هر بادگیر بر فراز بندرهای دیرینه، هر موج ایستاده در دریا و هر دانه شن نشسته بر ساحل، روایتگر نسلی است که نه از خاک خویش عقب نشست و نه از هویت خود دست نشست. اینچنان، ضمن گرامی‌داشت یاد و خاطره رهبر شهید انقلاب، شهدای مدافع وطن و پاسداران امنیت این مرز و بوم، از همه هنرمندان، پژوهشگران و اندیشه‌ورزانی که با نگاهی ژرف، می‌توانند بر غنای این رویداد بی‌افزایند، صمیمانه دعوت به همکاری می‌کنم و با احترام فراوان، این دوره از جشنواره فرهنگی و هنری خلیج فارس را به خانواده‌ی کودکان مظلوم میناب، خانواده دریادلان شهید ناو دنا و خانواده عزیزان شهید در نیروی دریایی ایران عزیز، تقدیم می‌کنم. پاینده باد ایران عزیز و مظلوم ما.»